

به نام خداوند جان و خرد

کزین برتر اندیشه برنگذرد

وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مدیریت تحصیلات تکمیلی

پژوهشکده زبان‌شناسی

پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبان‌های باستانی

درواسپ یشت

استاد راهنما

دکتر مهشید میرفخرایی

استاد مشاور

دکتر محمد تقی راشد محصل

پژوهشگر

مجید طامه

مرداد ماه 1388



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مدیریت تحصیلات تکمیلی

هیأت داوران در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۱۳

بایان نامه کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی « آقای مجید طامه »

تحت عنوان

« درواسپ یشت »

را بررسی کردند و بایان نامه با درجه به تصویب نهایی رسید.

- | | |
|------|--|
| امضا | ۱. استاد راهنمای بایان نامه، سرکار خانم دکتر میرفخرایی با مرتبه علمی استاد |
| امضا | ۲. استاد مشاور بایان نامه، جناب آقای دکتر راستد محصل با مرتبه علمی استاد |
| امضا | ۳. استاد داور خارج از گروه، جناب آقای دکتر ابوالقاسمی با مرتبه علمی استاد |
| امضا | ۴. استاد داور داخل از گروه، سرکار خانم دکتر دربندی با مرتبه علمی استادیار |

امضای رئیس پژوهشکده

امضای مدیر گروه

امضای نماینده مدیریت

تحصیلات تکمیلی

سپاسگزاری

با سپاس از تمامی استادانی که در این چند سال مرا نکته‌ها آموختند و با ادبیات غنی این مرز و بوم آشنا ساختند و با سپاسی به پهنای زمین و درازای رودها و ژرفای دریاها و بلندای آسمان به حضور خانم دکتر میرفخرایی که همواره با شکیبایی و دقتی بی‌نظیر این گزارش را خواندند و نکته‌هایی بدیع یادآور شدند و سپاس بی‌کران از استاد مشاور، جناب آقای دکتر راشد و جناب آقای دکتر ابوالقاسمی و خانم دکتر دربندی که از سرمایه‌های گران برای فرهنگ و دانش این سرزمین هستند و داوری این گزارش را برعهده گرفتند.

چکیده

درواسپ یا گوش‌یشت نهمین یشت از اوستای موجود، متشکل از 7 کرده و 33 بند است که در آن به ستایش و توصیف این ایزدبانو پرداخته شده است. این یشت از نظر زبان و شیوه بیان مشترکاتی با یشت‌های 5، 15 و 17 دارد و بندهای 3 تا 32 آن با بندهای 24 تا 52 ارد یشت کاملاً قابل مقایسه است. بویس بر این باور است که درواسپ در اصل صفتی برای آشی/ آرد بوده و بعدها ایزد مستقلی محسوب شده است؛ اما کریستن سن بر آن است که با توجه به سکوت اوستا در باره این نام، درواسپ همان گئوش‌ارون است که در دو سی‌روزه در کنار نام گئوش‌ارون و گئوش‌تشن از او نام برده شده است. با توجه به آنکه نقش اصلی این ایزد در ارتباط با چهارپایان آمده و چون در چهار دست‌نویس، این یشت درواسپ و در هشت دست‌نویس دیگر گوش‌یشت نامیده شده است محتمل به نظر می‌رسد که درواسپ همان گئوش‌ارون باشد. از سوی دیگر با توجه به تقویم زرتشتی که در آن هر روز ماه به ایزدی مهم و موثر در زندگی مردمان اختصاص داده شده است، نام درواسپ با در نظر گرفتن نقش ملموسی که این ایزد بانو در زندگی روزمره مردمان دارد کاملاً خالی به نظر می‌رسد، اما اگر درواسپ را همان گئوش‌ارون بدانیم، می‌توان چهاردهمین روز هر ماه، موسوم به گوش‌روز، را از آن وی دانست. در این گزارش که شامل: مقدمه، حرف‌نویسی، برگردان فارسی، یادداشت‌ها، واژه‌نامه و کتاب‌نامه است سعی بر آن شده تا ترجمه‌ایی روان و درست با در نظر گرفتن حالات دستوری از این یشت ارائه شود و در موارد لازم برای واژه‌ها و عبارتهای مبهم توضیحاتی داده شود.

فهرست مطالب

چکیده فارسی 9

کوتاه‌نوشت‌ها و نشانه‌ها 11

فصل اول:

1-1. مقدمه 13

2-1. متن اوستایی 24

3-1. حرف نویسی متن اوستایی 32

4-1. یادداشتهای حرف نویسی 41

5-1. برگردان فارسی 44

6-1. یادداشتهای برگردان فارسی 53

فصل دوم:

1-2. واژه‌نامه 69

2-2. کتاب‌نامه 120

چکیده به زبان انگلیسی 2

کوتاه نوشتها

ا.	اسم
ب.	بار تلمه
پ.ف.	پیشوند فعل
ح.ا.	حرف اضافه
ح.ر.	حرف ربط
س.	ستاک
صت.	صفت
ص	صفحه
ص.ض.ا.	صفت - ضمیر اشاره
ض.	ضمیر
ف.	فعل
ق.	قید
م.	موصول

نشانه‌ها

+	تصحیح
*	مفروض
()	توضیح
[]	اضافه

فصل اول

مقدمه

پیشگفتار

اوستا، کتاب مقدس زرتشتیان، که بنا بر روایت اوستا و کتاب‌های پهلوی، همه مطالب آن را اهوره مزدا به زرتشت الهام و ابلاغ کرده به زبانی موسوم به اوستایی سروده شده که در نواحی شرقی ایران، احتمالاً خوارزم، تکلم می‌شده است. اوستای موجود تنها یک چهارم کتابی است که در دوره ساسانیان وجود داشته است. چنین نظری مبتنی بر مقایسه‌ای است میان خلاصه‌ای از اوستای ساسانی به پهلوی که در کتاب هشتم دینکرد آمده با آنچه اکنون موجود است. اوستای موجود شامل متونی است که خصوصاً در مراسم دینی و عبادی از آنها استفاده می‌شود و آن را به پنج بخش تقسیم می‌کنند: یسنا، ویسپرد، وندیداد، یشت‌ها و خرده‌اوستا (تفضلی، 1383: ص 35-36).

یشت‌ها سرودهایی هستند که عموماً به ستایش خدایان قدیم ایرانی مانند مهر، ناهید، تیشتر و غیره اختصاص دارند. اوستای موجود شامل بیست و یک یشت است. همه این یشت‌ها از نظر قدمت یکسان نیستند. از میان آنها یشت‌های 5، 8، 10، 13، 17 و 19 یشت‌های بزرگ نامیده شده‌اند. یشت‌های 9 (درواسپ)، 14 (بهرام)، 15 (ویو)، 16 (دین) در مواردی مشخصات یشت‌های بزرگ (توصیف، مدح، و به یاری خواندن ایزدی که یشت بدو اختصاص دارد، همراه با ذکر اسطوره‌ها و حوادثی که آن ایزد در آنها نقشی داشته است) را دارا هستند، اما از نظر شکل ظاهری و گاهی مطالب، ناقص به نظر می‌رسند. احتمال دارد که این یشت‌ها بازسازی شده قطعات یشت‌های اصلی همراه با اضافاتی از متون دیگر باشند (تفضلی، 1383: ص 44-46).

یشت نهم که در دست‌نویس‌های FI, PtI, EI, MI2, درواسپ یشت و در LI8, PI3, JI0, KI2.37.38, Jm4, O3 گوش‌یشت نامیده شده است. دارای 7 کرده و 33 بند است. بند 2 و 1 در توصیف ایزد بانو درواسپ است و در بندهای 3 تا 32 از زرتشت شاهان و پهلوانانی یاد شده است که برای او قربانی کرده و از او یاری خواسته‌اند مانند هوشنگ، جمشید، فریدون، هوم، کیخسرو. این بخش با تغییراتی که لازمه تعویض یکی از ایزدان به ایزدی دیگر است از بندهای 24 تا 52 اردیشت (یشت 17) اقتباس شده است (تفضلی، 1383: ص 52). با این تفاوت که در یشت 17 مانند یشت‌های 5 و 15 اذکار و درخواست‌های پهلوانان فقط قسمتی از یشت را تشکیل می‌دهد و شامل توصیف‌هایی از ایزد مورد ستایش و نیز قطعاتی از موضوع‌های اساطیری است؛ اما ماده اصلی و اساسی یشت نهم (به استثنای دو بند آغاز آن) همین اذکار و درخواست‌های پهلوانان نسبت به ایزد درواسپ است. بنابراین یشت نهم در دورانی تالیف شده که امکان تالیف یک یشت به روش قدیم وجود نداشته و به همین دلیل مولف این یشت تمام قسمت مربوط به دعاها و درخواست‌ها از ایزد مورد ستایش را از جای دیگر برداشته و بر آن مقدمه کوتاهی افزوده است؛ اما چون به زبان مسلط بوده و به سبک انشای یشت‌ها، چنانکه برای نگارش لازم بوده، آشنایی داشته است، توانسته با حفظ صورت شعری تعویض لازم را در نام‌ها و همچنین اوصاف ایزد مورد ستایش انجام دهد (کریستن سن، 2537: ص 126). بویس معتقد است چون بخش عمده این سرود همان دعاهایی است که در یشت 17 آمده و نیز ایزد بانو بودن درواسپ، این گمان را قوت می‌بخشد که درواسپ در آغاز صفتی برای ارد/ اشی بوده و بعدها ایزد مستقلی محسوب شده است (بویس، 1374: ص 101؛ تفضلی، 1383: ص 52).

موضوع قابل توجه آن است که نام درواسپ، موضوع ستایش‌های یشت نهم، در هیچ بخش دیگری از اوستا مگر در دو سی‌روزه نیامده است و در آنجا نیز نام روز چهاردهم ماه یعنی گوش‌روز آمده است؛ ظاهراً اسم درواسپ در بخش‌های گمشده اوستا نیز

مذکور نبوده، زیرا در کتاب هشتم دینکرد که تلخیصی از اوستای دوره ساسانی است هیچ نامی از او برده نشده است (گریستن سن، 2537:ص126).

گریستن سن معتقد است از آنجاکه یشت نهم یادگاری است از زندگی کوتاه ایزد درواسپ و نیز استعمال این نام به صورت «لرواسپو» در سکه‌های شاهان کوشانی، ابزاری است برای آنکه بتوان بطور تقریبی زمان تداول این نام (درواسپ) را معلوم کرد، و از آنجاکه این ایزد پیش از آنکه بین سایر اقوام شرق مورد ستایش قرار گیرد، مدتی میان ایرانیان پرستش می‌شده است می‌توان تاریخ یشت نهم را بصورت تقریبی در حدود قرن اول میلادی قرار داد.

درواسپ (-druuāspā)

این نام مرکب از صفت -druua: "تندرست، سالم" و -aspā از اسم مذکر -aspa: "اسب" و روی هم به معنی «دارنده اسبان تندرست» است. در بندهای آغاز این یشت نیز به صفاتی چون -druuō.pasu: "تندرست نگاهدارنده چهارپایان خرد"، -druuō.staorā: "تندرست نگاهدارنده ستوران" و -yuxta.aspā: "دارنده اسپهای زین شده" روبرو می‌شویم که تأکیدی بر ارتباط این ایزد بانو با چهارپایان، ستوران و اسبان است.

درواسپ در منابع هندی

در منابع هندی، وداها، نیز می‌توانیم به نوعی از مراسم اهلی کردن حیوانات که dhruvāōvakalpa نامیده شده و هدف از اجرای آن بدست آوردن و نگاهداری اسبان نیرومند است، اشاره کرد (Monier-Williams, 1899: p. 521). این عبارت خود ترکیبی از صفت -dhruva: تندرست، سخت، اسم مذکر -aōva: اسب و اسم مذکر -kalpa: آیین، دستور، شیوه، دوران است.

درواسپ در متون پهلوی

نام این ایزد بانو در زند دو سی‌روزه کوچک و بزرگ، آمده است که همراه گوشورون و گوش‌تشن بر چهاردهمین روز ماه موسوم به گوش روز نظارت دارد (Dhabhar, 1927: p. 169, 178, 239)، نیز در بندهش فصل بیست و شش بند شصت و پنج (Anklesaria, 1956: p. 222) درباره اروند اسبی خورشید آمده است «او را اروند اسبی این که او را اسب نیکویی است، چه، فره درواسپ را باره دارد» (بهار، 1385: ص113) و همچنین در متمم شایست و نشایست فصل یازده بند چهار که

در این بند در ارتباط با تخصیص اجزای قربانی به هر یک از ایزدان آمده است که شانه چپ قربانی، سهم درواسپ است (Kotwal, 1969: p.23).

درواسپ در سکه‌های کوشانیان

بر سه سکه از پادشاهان کوشانی، دو سکه متعلق به عصر کانیشکا (تصویر: 1) و یک سکه مربوط به دوران هویشکا (تصویر: 2)، تصویر مردی ایستاده و ریش‌دار دیده می‌شود که در کنار خود اسبی دهنده دارد و واژه لرواسپو (Λροοασπο) بعنوان شرح همراه آن است. اورال اشتاین در اثر خود به نام «خدایان زرتشتی در سکه‌های هندوسکایی» این نام را همان نام فارسی لهراسب می‌داند که صورت اوستایی آن «اُئوروت‌آسپ» (auruuaṣpa) پدر کی ویشتاسب است، اما ائوروت‌آسپ در اصل یکی از صفات خورشید و به طور خاص آپم‌نپات ایزد آب بوده است. اشتاین از واژه لرواسپو همان آپم‌نپات اوستایی را می‌فهمد. اما اشتقاق واژه لرواسپو از کلمه ائوروت‌آسپ بسیار بعید به نظر می‌رسد (کریستن سن، 2537: ص 129).

دارمستتر نام خدایی را که در سکه کانیشکا نقش شده، به گونه‌ای دیگر خوانده است، بدین معنی که چون نخستین حرف از تصویری که اشتاین برای سکه مذکور تهیه کرده به وضوح خوانده نمی‌شود، دارمستتر آن اسم را «درواسپو» (DROOaspo) خوانده و معادل «دروواسپ» دانسته است، حال آنکه در سکه‌های دیگر به وضوح این نام لرواسپو خوانده می‌شود و بایستی به این نکته توجه کرد که تغییر «د» به «ل» در گویش‌های مختلف ایران شرقی امری عمومی است (سیمز ویلیامز، ص. 265، 270)، این تغییر در موردی اتفاق می‌افتد که «د» پیش از همخوانی قرار گرفته باشد با این حال در گویش مُنجانی¹ واژه I'ūx به معنی داس از دراث (δραθ) اشتقاق یافته است (کریستن سن، 2537: ص 130).

با توجه به موارد فوق لرواسپو همان درواسپ به صورت مذکر است که با حیوان خاص خود نشان داده شده است. ضمناً از آنجاکه ایزد درواسپ و گئوش‌ارون را یکی دانسته‌اند، بنابراین نوع مذکر نوع واقعی او است زیرا واژه «ارون» (uruuan-) مذکر است. از طرف دیگر واژه «گو» (gao-) که در حالت اضافی به صورت گئوش (gəuš) است، گاهی مونث است و شاید به همین سبب موجب مونث شمردن ایزد درواسپ گردیده باشد (همان، ص 131).

درواسپ و دیگر ایزدان

بندهای 3-32 این یشت که در برگیرنده نیایش‌ها و درخواست‌های پهلوانان پیشین است قابل مقایسه با یشت‌های 5 (آبان یشت)، 15 (رام یشت) و 17 (ارد یشت) است، که در آن از این ایزدان (ناهید، ویو، اشی) درخواست آیف‌ت می‌شود.

¹ به این زبان ساکنان نسبتاً قلیل مُنجان (در سرچشمه‌های رودخانه کوچک kokča) در شمال شرقی افغانستان گفتگو می‌کنند. تعداد کل سخنگویان مُنجی در حدود 2000 تا 2500 نفر است (ارانسکی، 1386: ص 152).

کلنز معتقد است که یشت‌های 5، 9، 15 و 17 از لحاظ واژگانی از ویژگی‌های برخوردارند که آنها را از دیگر یشت‌ها نظیر تیشتر، مهر، بهرام و فروردین یشت متمایز می‌سازد. در گروه اول پرستش این ایزدان با فعل *yazata* (گذشته، سوم شخص مفرد، ناگذرا) اما در گروه دوم با فعل *yazamaide* (حال، اول شخص جمع، ناگذر) بیان می‌شود. کلنز معتقد است که این اختلاف، نتیجه ویژگی‌های ذاتی این ایزدان است؛ برای مهرایزد و ایزدان هم‌گروه او به دلیل خویشکاری‌های مهمی که در ارتباط با زندگی انسان بر عهده دارند، حضورشان ملموس و همیشگی است بنابراین فعل *yazamaide* اما برای آن‌هیتا و دیگر ایزدان هم‌گروه او که در گذشته‌ای نامشخص اما واقعی قرار می‌گیرند فعل *yazata* که نقش آنها را در گذشته بیان می‌کند به کار می‌رود (Kellens, 1975:264).

در ستایش ایزد درواسپ در بند یک فعل *yazamaide* ذکر شده است، که با توجه به صفاتی که پس از آن آمده است به خوبی نقش هر روزی این ایزدانو را در ارتباط با انسان نشان می‌دهد و در بندهای دیگر که برگرفته از دیگر یشت‌هاست فعل *yazata* به کار رفته است که نقش وی را در گذشته نشان می‌دهد.

خویشکاری‌های درواسپ

بندهای 1 و 2 این یشت موادی را درباره خویشکاری‌های این ایزدانو در اختیار ما قرار می‌دهد که شامل فهرستی از صفات این ایزدانو است.

در آغاز و پس از مقدمه معمول یشت‌ها، درواسپ با صفاتی نظیر *sūrā-* : نیرومند، *mazdaδātā-* : مزدا داده و *aṣaonī-* : پاک، توصیف می‌شود که صفتهایی عمومی برای ایزدان دیگر نیز هست؛ اما در پی آن با صفاتی روبرو می‌شویم که تنها در باره این ایزد به کار رفته است، همچون *druuō.pasu-* : تندرست نگاهدارنده چهارپایان خرد، *druuō.staorā-* : تندرست نگاهدارنده ستوران، *druuō.uruaθā-* : تندرست نگاهدارنده دوستان، *druuō.apərənāiiukā-* : تندرست نگاهدارنده کودکان، *yuxta.aspā-* : دارنده اسبهای یوغ بسته، *x"āsaokā-* : خود فروزان، *fṣaoni.marəzā+* : آماده کننده نعمت، *druuō.stāiti-* : دارنده جایگاه استوار، *druuō.varətā-* : دارنده اقامتگاه سالم. تعدادی از این صفات به خوبی پیوند این ایزدانو را با چهارپایان می‌نمایند؛ اشاره کوتاه دو سی روزه نیز درباره درواسپ چنین است : در سی روزه کوچک بند 14 «[روز] گوش‌تشن، گوشورون، درواسپ توانای مزداداده پاک» و در سی روزه بزرگ بند 14 «گوشورون نیک کنش را می‌ستاییم، درواسپ توانای مزداداده پاک را می‌ستاییم» (پورداد، 1380:ص 194، 200).

با توجه به بندهای فوق آشکار می‌شود که درواسپ رابطه بسیار نزدیکی با روان [نخستین] گاو (گئوش ارون ، gēuš.uruuan) و آفریدگار گاو (گئوش تَشَن، gēuš.tašan) دارد و در روایات دینی وی و گوشورون یکی دانسته شده‌اند؛ ظاهراً یشت نهم یعنی درواسپ یشت نیز به همین دلیل گوش یشت نامیده شده است.

در روایت‌ها چیزی راجع به درواسپ ذکر نشده مگر اینکه او نگاهبان حیوانات اهلی خاصه اسبان است و او است که اسبی به خورشید بخشیده است. اگر درواسپ به واقع نام دیگری برای گئوش ارون باشد؛ می‌توان سکوت اوستا را درباره او معلول این جریان دانست که در زمان نامعلومی گئوش ارون را به نام درواسپ می‌نامیدند، اما این نام مطمئناً مگر در مدت محدودی، مورد قبول واقع نشده و چون نتوانسته نام قدیم گئوش ارون را از میان ببرد خود از میان رفته و اسم اصلی گئوش ارون یا گئوش باقی مانده است؛ اما از دوره تداول این اسم (درواسپ) نیز اثری که عبارت از نام این یشت باشد، باقی مانده است (کریستن سن، 2537:ص 128).

بنابراین اصلی‌ترین خویشکاری این ایزدبانو را می‌توان در رابطه با چهارپایان در نظر گرفت؛ اما از سوی دیگر این ایزد بانو خویشکاری‌هایی نظیر تندرست نگاه داشتن کودکان و دوستان را نیز که به طور اخص مربوط به انسان است و نیز صفاتی چون آماده کننده نعمت، آسانی بخش، درمانگر، دارای جایگاه استوار، دارای اقامتگاه درست، که به هر دو نوع انسان و چهارپا مربوط می‌شود را برعهده دارد که به خوبی بیانگر نقش همیشگی این ایزدبانو است و به همین دلیل در کنار دیگر ایزدان برجسته دین زرتشتی که روزی از هر ماه به نام آنها نام گذاری شده چهاردهمین روز هر ماه بدو اختصاص یافته و از جمله وظایفی که در این روز توصیه شده است: پرورش گوشورون و گاو را ورز آموختن است (عریان، 1382:ص 69).

ساختار یشت

بند 1 و 2 در ستایش و توصیف این ایزد بانو است که در سرآغاز شش کرده دیگر نیز تکرار گردیده (بندهای 7، 12، 16، 20، 24 و 28) و پس از آن نیایش و درخواست یکی از آیفندگاران بیان شده و در پایان کرده، بیان کامیابی وی و نیایش مرسوم پایان کرده‌های یشت‌ها آمده است.

بند 3، 4 و 5 توصیف ستایش و قربانی‌های هوشنگ پیشدادی برای این ایزد بانو و درخواست وی برای پیروز شدن بر دیوان مازنی و برآورده شدن این درخواست از سوی ایزد درواسپ است.

بند 6 پایان این کرده و شش کرده دیگر است که نماز و ستایشی برای درواسپ و دعای ینگه‌هاتام است.

بند 8، 9، 10 و 11 درخواست جمشید و قربانی‌های وی برای درواسپ و تقاضای او برای دور راندن گرسنگی، تشنگی، مرگ و باد گرم و سرد از آفریدگان اهوره مزدا به درازای هزار سال و برآورده شدن این درخواست و دعای پایانی کرده است.

بند 13، 14 و 15 درباره فریدون و قربانی‌های وی برای ایزد درواسپ و در خواست وی از درواسپ برای پیروز شدن بر اژی‌دهاک و رهانیدن شهرناز و ارنواز از اسارت اژی‌دهاک و اجابت این درخواست از سوی ایزدبانو و دعای پایانی کرده است.

بند 17، 18 و 19 درخواست هوم و مکانی که وی برای این ایزد بانو یزش نمود و تقاضایش در به بندکشیدن افراسیاب تورانی و به نزد کیخسرو بردن وی و کشتن او و برآورده شدن این درخواست و دعای پایانی کرده است.

بند 21، 22 و 23 درباره قربانی‌ها و درخواست کیخسرو برای ایزد درواسپ در کنار دریاچه چیچست برای کشتن افراسیاب تورانی به کین‌خواهی پدرش سیاوش و اغریث و برآورده شدن این درخواست و دعای پایانی کرده است.

بند 25، 26 و 27 ستایش و درخواست زرتشت برای گرویدن هوتس به کیش وی و اجابت این دعا از سوی درواسپ و دعای پایانی کرده است.

بند 29، 30، 31 و 32 درباره کی‌گستاسب و قربانی‌کردن‌های او در کنار رود دائیتی و تقاضایش برای پیروز شدن بر دشمنان خیونی و بازگرداندن دخترانش از سرزمین خیونی‌ها و برآورده شدن درخواستش و دعای پایانی کرده است.

بند 33 دعای پایانی یشت در ستایش و نیایش درواسپ است.

دستنویس‌های یشت نهم

در تصحیح متن اوستایی یشت نهم گلدر از 12 نسخه خطی استفاده کرده است. این نسخه‌ها عبارتند از: F_I, Pt_I, E_I, L_{I8}, P_{I3}, J_{I0}, K_{I2.37.38}, J_{m4}, O₃, M_{l2}؛ مشخصات این دستنویس‌ها به شرح زیر است:

F_I (نسخه رام‌جی فریدون جی مَدَن)

این نسخه از مجموعه دستنویس‌های یشت‌ها و دارای 277 برگ است و در نوساری به دست «آسَدین کاکا دنپال لخمیدر» (Asadin Kaka Danpal Lakhmidar) از خاندان هرمزیار رامیار نوشته شده و در روز دین از ماه اردیبهشت سال 960 یزدگردی (برابر 21 ژانویه 1591 میلادی) به پایان رسیده است. این نسخه قدیمیترین دستنویسی است که همه یشت‌ها را در بردارد.

Pt_I (نسخه پشوتن جی بهرام جی سنجانا، دستور بمبئی)

این نسخه شامل خرده‌اوستا همراه با متن کامل یشت‌ها در 543 برگ است و در تاریخ 994 یزدگردی (1625 میلادی) تحریر شده و نام کاتب آن «هیرید داراب» از اعقاب هرمزدیار رامیار است. متن کامل یشت‌ها از برگ 256 تا پایان نسخه است.

E_I (نسخه ادال جی داراب جی رستم جی سنجانا)

این نسخه شامل خرده اوستا و مجموعه یشت‌ها در دو جلد و 542 برگ است.

L_{I8} (نسخه اندیا آفیس لندن، مجموعهٔ de Guise)

شامل خرده اوستا و مجموعه یشت‌ها است. ترتیب این نسخه بسیار آشفته است و دلیل این آشفتگی احتمالاً به نسخه قدیمیتری که پیش روی کاتب بوده است برمی‌گردد. این دستنویس دارای 490 برگ است.

P_{I3} (نسخه کتابخانهٔ ملی پاریس)

این نسخه شامل خرده اوستا و یشت‌ها است.

J_{I0} (نسخه جاماسب جی منوچهرجی جاماسب آسانا، دستور بمبئی)

نسخه‌ای از خرده اوستا و مجموعه یشت‌ها در 540 برگ، بدون تاریخ و با خطی تزئینی اما بسیار بی‌دقت تحریر شده است.

K(نسخه‌های دانشگاه کپنهاگ)

K₁₂ این نسخه شامل خرده اوستا و تمام یشت‌ها در 378 برگ به مورخ 1170 یزدگردی (1801 میلادی) است.

K₃₇ دستنویسی از خرده اوستای ایرانی بدون تاریخ تحریر که شامل یشت‌های 1، 3، 11، 14 به خط فارسی و بقیه متن‌ها به خط اوستایی است.

K₃₈ دستنویسی از خرده اوستای ایرانی در 108 برگ که بنا به نظر وسترگارد تاریخ تحریر آن 1183 یزدگردی (1814 میلادی) است.

Jm₄(نسخه جمشید جی مانک جی اونوالا، موید)

نسخه‌ای از خرده اوستا به تاریخ 721 یزدگردی (1352 میلادی) که از دستنویس کهن این نسخه برگ‌های 7-42 و 64-71 باقیمانده است و 6 برگ نخست نیز توسط کاتبی دیگر نوشته شده است.

O₃(نسخه کتابخانه دانشگاه آکسفورد)

این دستنویس نسخه‌ای از خرده اوستا در 294 برگ به تاریخ 1015 یزدگردی (1646 میلادی) که شامل الفبای اوستایی، نیایش‌های 1-5؛ آفرینگان دهمان، گاهان، گاهنبار؛ پازند گاهنبار؛ گاه 1-5؛ یشت‌های: هرمزد، امشاسپند، اردیبهشت، خرداد، گوش، سروش هادخت، رشن، بهرام، دین، اشتاد، هوم، ووند؛ باج؛ نیرنگ با قطعات اوستایی است.

Ml₂(نسخه مانک جی لیم جی هتّری در تهران)

این نسخه مجموعه‌ای زیبا و جدید از همه متون اوستایی به خط فارسی است.

روش کار

این گزارش شامل مقدمه و پنج بخش است: بخش نخست متن اوستایی براساس تصحیح گلدرن، بخش دوم حرف نویسی متن اوستایی براساس روش هوفمان و تصحیحاتی در متن که با نشانه + مشخص شده‌اند، بخش سوم برگردان فارسی، بخش چهارم یادداشت‌های واژه‌ها و عبارتهایی که نیاز به توضیح داشته و در برگردان فارسی با شماره‌ای بر روی آن مشخص گردیده است و بخش پنجم واژه‌نامه که در این بخش ستاک ضعیف واژه‌ها داده شده و صفات فاعلی و مفعولی زیر ریشه آورده شده و در ردیف الفبایی خود نیز آمده است. مقوله دستوری و معنای هر واژه در برابر ستاک و صورت‌های صرفی با ذکر حالت صرفی زیر ستاک و در هر مورد با شماره بند و بسامد آن واژه در همان بند با شماره‌ای بر روی آن و نیز صفحه‌ای را که واژه در فرهنگ بارتلمه آمده مشخص شده است.

پیشینه پژوهش

- 1- ولف (1910) در کتاب خود « اوستا، کتاب مقدس پارسیان » یشت نهم را به آلمانی ترجمه کرده است.
- 2- لومل (1927) در کتاب خود « یشتها » این یشت را به آلمانی ترجمه کرده است.
- 3- دارمستتر (1892-1893) در جلد دوم کتاب خود « زند اوستا » این یشت را به فرانسه ترجمه کرده است.
- 4- شروو (2006) در مجموعه « متون زرتشتی » این یشت را به انگلیسی ترجمه کرده است.
- 5- پورداوود (1377) در جلد اول « یشتها » این یشت را به فارسی ترجمه کرده است.
- 6- دوستخواه (1379) در جلد اول کتاب خود « اوستا کهن ترین سرودهای ایرانیان » این یشت را به فارسی ترجمه کرده است.



تصویر 1: سکه کانیشکا



تصویر 2: سکه هویشکا